



اشاره :

استاد فرزانه شادروان ذبیح بهروز را - که دیگر در میان ما نیست ولی یادش همیشه با ما و آیندگان خواهد بود - بیشتر از دیگران می‌دیدم . هفته‌ای سه روز . توی خانه کوچکش در آن کوچه بن‌بست خیابان غفاری - می‌نشستم حرف می‌زدیم او بعنوان استاد و من به‌عنوان شاگرد در واقع بهروز معلم من بود . آن‌زمان که به حافظ علاقمند بودم . بگذریم سخن گفتن درباره او - که عزت نفس و شرافت و پاک‌اش نمونه بود - تاثر را بیشتر برمی‌انگیزد . چند روز

پیش وقتی یادداشتهای سالهای گذشته را مرور می‌کردم چشم به متن گفتگوئی افتاد که چند سال پیش با استاد درباره تاریخ و کرونولوژی ایران انجام داده بودم و این گفتگو همانطور مانده بود و دریغ آمد در این روزها و در این نشریه چاپ نشود. بهر حال این ره‌آوردی است از سالهای نه چندان دور گذشته و در این گفتگوی کوتاه بمانند همیشه دقت و کنجکاوی بهروز چشمگیر است. والسلام

● آقای بهروز، در میان مسائل مهمی که در زمینه فرهنگ ایران وجود دارد تاریخ ملت و قوم ایران است. ولی متأسفانه نقاط مجهول و زوایای تاریک و مبهم زیادی در تاریخ ایران بچشم می‌خورد و در واقع ما هنوز یکدوره تاریخ مدون و جامع و مانع و کامل نداریم که بتواند کاملاً نشان دهنده واقعیات و حقایق تاریخی گذشته باشد. خواهش می‌کنم در این زمینه صحبت کنید.

ذبیح بهروز: - «تاریخ کشورهای دیگر در شرق و غرب بیشتر مرتب و منظم است و شاید فقط ایران است که زوایای مبهم و تاریک در آن دیده می‌شود و مسلماً باید در مورد آنها بررسی و پژوهش کامل به عمل آید.

مسلماً اگر کسی بی‌غرضانه و بطور منصفانه به تواریخ اقوام دیگر توجه نماید با اشکالات و نقاط تاریک و مبهم بیشتری مواجه می‌شود و مشکلات تازه‌ای پیش می‌آید. زیرا ممکن است ملاحظه کنند که پیشرفته‌ترین اقوام اروپائی شاید کتابی قابل توجه که از چهار یا پنج قرن تاریخش جلوتر باشد، نداشته باشند.

حتی اگر دقت شود ملاحظه می‌کنیم بیشتر زبانهای مشهور اصولاً دارای کلمات فرهنگی نیستند و در حقیقت تاریخ، تاریخ رزم‌ها و بزم‌ها و کشمکش‌های دینی و مالی اقوام قدیم و جدید است و اینگونه تواریخ ارزش واقعی ندارند.

تاریخی که باید تمام اقوام جهان به آن توجه داشته باشند پنج موضوع اصلی است که هر یک از آن موضوع‌ها دارای فروعی هم هستند آن پنج موضوع اصلی عبارتند از:

- ۱ - تاریخ پیشرفت زبان
- ۲ - تحولات دینی
- ۳ - پیدایش خط
- ۴ - اصطلاحات علمی
- ۵ - پیشرفت تدریجی هنر در جهان

به عقیده من اگر بتوانیم چنانکه شاید و باید درباره این پنج موضوع تحقیقات کافی و لازم را بعمل بیاوریم بدون تردید میتوانیم در آینده در زمینه فن‌تعلیم و تربیت انسان پیشرفت‌های شایانی بنمائیم و راه مدرسه را کوتاه‌تر و بی‌زحمت‌تر و پرمفعت‌تر بنمائیم. مقصود این است که باید از بحث در تاریخ و پیشرفت تدریجی انسان در گذشته برای آینده استفاده کنیم. این نوع تاریخ بی‌تردید باعث پیشرفت فکر انسان خواهد بود.

به نظر من این وظیفه محققان و نویسندگان و روزنامه‌نگاران است که این موضوع‌ها را جدا جدا طرح نمایند تا موافقان و مخالفان باهم روبرو شوند و از بر خورد آراء و عقاید نقاط

تاریک و مبهم ، روشن گردد .

● بررسی مدارك و اسناد تاریخی گذشته که بصورت های مختلف ا زاسلاف بما رسیده

می باید بر چند صورت انجام بگیرد و بر پایه کدام موازین و ضوابط و معائیری استوار باشد ؟

استاد بهروز : - « برای بررسی کتب و اسناد و مدارك تاریخ قدیم باید چند موضوع را

در نظر داشت .

موضوع اول : کرونولوژی است . این بحث پیرن یک بحث علمی است و از تمام بحثها

دقیق تر است . من می توانم قول بدهم و ادعا کنم که دقیق ترین کرونولوژی و تقویم نگاری در

جهان متعلق به ایران است .

در حدود ۱۵ سال پیش در این مورد جزوه ای که بصورت فهرستی بود چاپ کردم و چندین

جزوه دیگر راجع به این بحث انتشار خواهد یافت

موضوع دوم : توجه بیغرضانه به تاریخ تحول ادیان جهان است . ما باید تحقیق کنیم که

احساسات مذهبی یک مورخ چه بوده است . چون مسلما افکار دینی و مذهبی هر نویسنده ای خواه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

وناخواه در نوشته‌های وی موثر است و در این صورت مطالبی را که با اغراض وی مخالف باشد حذف می‌کند و درباره آنچه موافق میلش باشد راه مبالغه و اغراق می‌پیماید.

موضوع سوم: از نکات مهمی که در بررسی کتب تاریخ قدیم باید در نظر گرفت مساله جغرافی است. روی اغراض سیاسی و دینی نام‌های جغرافیائی از شرق به غرب و از غرب به شرق منتقل شده‌اند و توجه به این تغییرات و تحولات از مسائل مهم بررسی است.

موضوع چهارم: توجه به زبانی است که کتب تاریخی به آن زبان نوشته شده‌اند. سبک نگارش چنین کتب و اصطلاحاتی که در آنها بکار رفته، غالباً می‌توانند عصر نگارش کتاب را تعیین و مشخص نمایند.

در گذشته معمول بود که بعضی از نویسندگان روی اغراضی، تالیفاتی بنام گذشتگان می‌کردند ولی از نوع کلمات و عباراتی که پیش از خودشان بکار می‌رفته بی‌اطلاع بودند و با این ترتیب ما میتوانیم اینگونه تالیفات تقلبی را از اصلی تشخیص دهیم. بطور کلی با همه آنها که ذکر شد به نظر من تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری يك هنرمند خداداد است مثل طبع شعر که نمیشود آنرا در يك دانشگاه با درس‌های منظم آموخت.

برای اروپائیان که مباحث تاریخی آنها از بعد از اختراع چاپ شروع می‌شود و روی هم رفته آلوده به اغراض «شویزمی» می‌باشد بررسی و تحقیق این رشته کاری آسان‌تر از کارما در ایران خواهد بود.

● از نظر تاریخی و مدارك و شواهد موجود علل عقب افتادگی ویا پیشرفت اقوام جهان در چه خطوطی مشخص می‌شوند؟

استاد بهروز: - این سؤال هم مانند سؤال‌های قبلی جواب مفصلی لازم دارد ولی متأسفانه این مباحثی که در این فرصت کوتاه راجع به آنها حرف زدیم مباحثی نیستند که بایک یا چند مقاله وحتى يك کتاب بتوان شرحشان داد.

درباره سؤال اخیر مثلاً اگر ما کشوری پیشرفته مانند هلند را در نظر بگیریم ملاحظه می‌کنیم که این کشور كوچك که تا پیش از جنگ جهانی دوم بر قسمتی بزرگ از جهان فرمانروائی داشت از ۳ - ۴ قرن پیش اثری در تاریخ ندارد.

ما باید اینطور فکر کنیم که از اول پیدایش بشر بر روی کره زمین تا ۴ - ۵ قرن گذشته این هلندیها کجا بودند!

باید با کمال دقت تحقیق کنیم که چطور شده که این مردمی که دین و خط از خود نداشته‌اند و هیچگونه کلمات فرهنگی اصلی در زبان آنها پیدا نمیشود وحتى تا چند قرن پیش عدد نویسی را هم نمی‌دانستند چگونه در این مدت کم این پیشرفت حیرت‌آور را در علم و صنعت کرده‌اند.

دانستن سر این پیشرفتها چه در هلند و چه در ممالک دیگر برای ما ضروری است .
 من می گویم که اگر هلندیها اینقدر باهوش و استعداد بودند چرا از اوایل خلقت تا چند
 قرن پیش چیزی از آنها بروز نکرده بود ؟
 در این صورت می توانیم یقین داشته باشیم که اگر از این پیشامد اطلاع حاصل کنیم ، زمینه
 پیشرفت از نظر زبان و خط که دو عامل مهم پرورش فکری انسانی است و نکات دیگری که ذکرش
 در حوصله این فرصت کوتاه نیست ، از هلندی ها سریع تر و بهتر پیشرفت خواهیم کرد .
 به عقیده من ، خداوند نسبت به همه افراد بشر الطاف یکسان دارد و اگر مردمی از مردم
 دیگر عقب افتاده اند علت این است که پرورش فکری حقیقی به افراد داده نمی شود .
 هر وقت بزرگان ملتی از راه سیاست یا از راه دین ، یا هر دو در فکر تربیت کودکان و جوانان
 افتادند ، در این صورت استعدادهای خداداد از انسانها بروز می کند و اگر در تربیت حقیقی فکری
 اهمال شود استعداد های نهفته بشر در خودش می میرد و دیگر قابل استفاده نیست و بقول حافظ :
 هر چه هست از قامت ناساز بسی اندام است
 ورنه تشریف تو بر بالای کسی کوتاه نیست .

● - متشکرم .

ضرابی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی